



Munich Personal RePEc Archive

Challenges of Islamic banking in Iran

Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies

12 January 2011

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/126194/>

MPRA Paper No. 126194, posted 17 Sep 2025 16:34 UTC

مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ایران

سیدحسین میرجلیلی*

مهم‌ترین مسأله عملیات بانکی در جمهوری اسلامی ایران در بخش تجهیز منابع، وجود سود علی‌الحساب است که با تضمین عملی، به سود تضمین شده تبدیل می‌شود و کارکردی مانند بهره دارد. در بخش تخصیص منابع، وجود پیش فاکتور جعلی، سفته صوری و عدم استفاده از وجوه دریافتی در مورد قرارداد که به دلیل اطلاعات نامتقارن بانک و گیرنده تسهیلات پدید می‌آید، خطرات اخلاقی (*moral hazard*) یاد شده را به دنبال دارد و عمل برخلاف مقتضای عقد است. نحوه محاسبه سود بانکی، نامناسب بودن سازماندهی، بوروکراسی و طولانی بودن مراحل دریافت تسهیلات و دولتی بودن، سایر مسائل بانکداری در ایران را تشکیل می‌دهد.

۱. مقدمه

به منظور بررسی مسائل بانکداری بدون بهره در ایران، ابتدا مسأله سود علی‌الحساب در بخش تجهیز منابع مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس مسائل مربوط به بخش تخصیص منابع مالی مطرح

* دکترای اقتصاد و استادیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نویسنده بر خود لازم می‌داند از آقای محمدحسین حسین زاده بحرینی که متن اولیه را مطالعه نموده و نظرات ارزنده‌ای ارایه نمودند، تشکر کند. مرحوم دکتر مرتضی قره‌باغیان نیز برای تکمیل مقاله راهنمایی‌های مفیدی ارائه نمودند. خداوند روح ایشان را قرین رحمت سازد.

می‌شود. سایر مسائل نظام بانکی ایران بخش‌های بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. نقد راه حل‌های نظام بانکی ایران در زمینه مسائل مربوط به تخصیص وجوه سرمایه‌گذاری، آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. مروری بر تجربه برخی کشورهای اسلامی

سه کشور، سودان، پاکستان و ایران، گام‌هایی به سوی ایجاد نظام بانکداری اسلامی برداشته‌اند. در حالی که در سایر کشورهای اسلامی نظام بانکی دوگانه (با بهره و بدون بهره) جریان دارد.

- مهم‌ترین مسائل بانکداری بدون ربا در پاکستان را می‌توان در موارد زیر برشمرد:
- تمرکز دارایی‌ها در تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت (نظیر فروش اقساطی و مشارکت‌های کوتاه‌مدت)

● بی‌ثباتی جریان سپرده‌ها به علت یک جانبه وضع‌شدن فرمول تعیین‌کننده نسبت سهم سود بانک‌ها و سپرده‌گذاران.

● روش‌های حل اختلاف میان بانک‌ها و سپرده‌گذاران در مورد تأخیر پرداخت‌های ناشی از روش فروش اقساطی و مسائل مربوط به مشارکت که عمدتاً یک طرفه و به نفع شرکت‌ها و به زیان سپرده‌گذاران است.

● ضعف نظارت و مدیریت وجوه و موفق نبودن در ارائه شیوه‌های مالی جدید که با هنجارهای مالی اسلامی سازگار باشد.^۱

● برای حذف بهره از معاملات دولتی اقدامی صورت نگرفته است.

● نبود پیشرفت در انتقال به تسهیم سود و زیان^۲ در طرف دارایی نظام بانکی.

● هیچ‌گونه سازوکار نهادی برای تداوم رویه‌های عملیاتی بانک‌ها و سایر نهادهای مالی از دیدگاه شریعت اسلامی وجود ندارد. افزون بر آن در چندین زمینه فعالیت که مورد بررسی قرار گرفته است، انحراف از شریعت اسلامی مشاهده شده است.^۳

مسائلی که بانکداری اسلامی در سودان با آن مواجه است، شامل به کارگیری صوری فنون تأمین

1. M. Khan and A. Mirakhor, *Islamic Banking*, 1989, p. 19; M. Anwar, *Islamic Banking*, 1992, pp. 4-10.

2. Profit-loss sharing

3. Z. Ahmad, "Islamic Banking; state of the art," 1994, p. 32.

مالی اسلامی توسط برخی بانک‌ها و نبود مطالعات تفصیلی کافی برای انتقال از نظام بانکی ربوی به بدون ربا است که با تغییر دولت، اسلامی کردن بانکداری دوباره با رویه‌های جدیدی آغاز شده است.^۱

مطالعه انجام شده توسط میثمی و مونگ نشان می‌دهد در روش جدید بانکداری اسلامی در سودان، سرعت گردش پول بدون بهره بسیار پایین‌تر از سرعت گردش پول با بهره است؛ هر چند آزمون ثبات، قویاً ثبات نظام مبتنی بر بهره در سودان را رد می‌کند.^۲ در همین مطالعه نشان داده شده است که بانکداری بدون ربا در پاکستان دارای ثبات است و نظام پولی مبتنی بر بهره در تورم پولی در این کشور نقش دارد.

اما نتایج مربوط به بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، حامی امکان‌پذیری نظام مالی اسلامی نیست. آزمون انحراف معیار حاکی از آن است که سرعت گردش پول با بهره ثبات بیشتری دارد.

از سوی دیگر، قابلیت کنترل نظام بانکی مورد تردید است. زیرا ارتباط منفی میان پایه پولی و متغیرهای کلان بدون بهره برقرار است و امکان‌پذیری دستیابی به اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم نیز تردیدآمیز است.^۳

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود، آن است که چرا از میان سه کشور سودان، پاکستان و ایران، کشور ما چنین وضعیتی دارد. پاسخ این پرسش در بررسی مسائل بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران نهفته است که در این مقاله قصد تبیین و تحلیل آن را داریم.

۳. تجهیز منابع

یکی از تفاوت‌های اساسی نظام بانکی مبتنی بر بهره و نظام بانکی بدون بهره که براساس سهم سود عمل می‌کند، آن است که در نظام بانکداری مبتنی بر بهره، نرخ بهره میزان عایدی فرد سپرده‌گذار را براساس درصدی از سپرده و مدت زمان سپرده‌گذاری شده تعیین می‌کند. به‌طوری‌که از همان ابتدا که صاحبان منابع مالی مازاد به بانک مراجعه می‌کنند، می‌دانند به‌طور تضمینی در سررسید چقدر عایدی

1. Z.Ahmad , Ibid, p.34.

2. W.N. Mong and R.C. Maysami, *Empirical Evidence on Islamic Banking*: 1997, p. 393.

3. Ibid , p.393.

بهره به آنان تعلق می‌گیرد. اما در بانکداری بدون بهره تنها سهم سود صاحب سرمایه مشخص می‌شود و سود، در انتهای کار و پس از حسابرسی سود و زیان پروژه تعیین می‌شود. بنابراین، در حالی که در طرف تجهیز منابع نظام بانکی با بهره نوعی تضمین و اطمینان وجود دارد، در نظام بانکی بدون بهره که با سرمایه‌گذاری و تولید سروکار پیدا می‌کند، نوعی عدم تضمین و عدم اطمینان جزء ذاتی آن است.

حال اگر در نظام بانکی بدون بهره در طرف تجهیز منابع به نوعی نرخ سود را تضمین کنیم یا نرخ سود علی‌الحسابی برداریم که تضمین عملی داشته باشد، عملکرد طرف تجهیز منابع در نظام بانکی بدون بهره و با بهره مشابه خواهد بود. علاوه بر آن که، تضمین سود، ریسک‌پذیری کارآفرینان جامعه را کاهش می‌دهد.

نرخ سود تضمین شده یا نرخ سود علی‌الحساب با تضمین عملی، باعث می‌شود میانگین بازدهی مورد انتظار پروژه‌ها پایین نگه داشته شود. از سوی دیگر، و مهم‌تر از آن، باعث می‌شود ریسک‌پذیری بالفعل جامعه کاهش یابد. زیرا سود تضمین شده، سود اندک ولی مطمئن را بر نرخ سود سرمایه‌گذاری بیشتر ولی مخاطرآمیز ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر، ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران را پایین می‌آورد.

فایده حذف سود تضمین شده یا بهره، تنها ریسک‌پذیر کردن صاحبان سپرده‌های با بهره یا سود تضمین شده نیست بلکه افراد ریسک‌پذیر و کارآفرین را وارد میدان فعالیت‌های اقتصادی می‌کند. رشد تولید مستلزم دغدغه‌ای است که ریسک‌پذیران آن را متحمل می‌شوند، چون در سرمایه‌گذاری، مخاطره‌پذیری اجتناب‌ناپذیر است.

دلایل به کارگیری سود علی‌الحساب

سود علی‌الحساب وجهی است که قبل از اتمام و به نتیجه رسیدن عملیات سرمایه‌گذاری و حصول و محاسبه سود قطعی از جانب بانک به صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود.

اصولاً پس از عقد قرارداد وکالت و تحویل وجوه از سوی سپرده‌گذار به بانک، سپرده‌گذار تنها به استناد موارد زیر حق مطالبه پول از بانک خود را دارد:

۱. ابطال وکالت بانک از سوی سپرده‌گذار در مورد تمام یا بخشی از سپرده‌اش. پس از ابطال وکالت، سپرده‌گذار هر زمان که بخواهد می‌تواند اصل سپرده خود را از بانک مطالبه کند. (در عمل، این دو مرحله با هم انجام می‌شود، یعنی مراجعه سپرده‌گذار به بانک برای استرداد وجوهی که قبلاً به بانک سپرده است، که به‌طور ضمنی به منزله عزل وکالت بانک در آن مورد است.)
۲. مشخص شدن سود قطعی حاصل از به کار گرفتن وجوه سپرده‌گذار از جانب بانک یا گیرندگان

تسهیلات از بانک، در غیر این موارد یعنی مادامی که سپرده‌گذار بانک را از وکالت در به کارگیری سپرده خود عزل نکرده و سود هم به طور قطعی محاسبه نشده باشد، سپرده‌گذار هیچ گونه حقی برای مطالبه وجوه سرمایه‌گذاری خود از بانک ندارد.

از طرف دیگر، صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری معمولاً کسانی هستند که می‌خواهند ضمن حفظ اصل سرمایه خود، از سود حاصل از آن استفاده کنند. از آن‌جا که در یک نظام بانکی با میلیاردها ریال سپرده سرمایه‌گذاری مشاع، امکان محاسبه سود قطعی حاصل از عملیات و سهم هر یک از سپرده‌گذاران در فواصل زمانی کوتاه ممکن نیست، این مسأله از دو جهت ممکن است به کاهش رغبت صاحبان وجوه برای سپرده‌گذاری در بانک منجر شود:

الف) بانک موظف است وجوه صاحبان سپرده را مستقیم یا غیرمستقیم در پروژه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کند. ماهیت این نحوه بانکداری اقتضا می‌کند که سود سپرده‌گذاری بعد از پایان دوره مالی و ظهور درآمد و کسر هزینه‌ها معلوم شود.

بدیهی است تا زمان محاسبه سود قطعی، سپرده‌گذار چشم‌انداز روشنی از سود انتظاری سپرده خود نخواهد داشت. چنانچه بانک نتواند به نحوی بر این مشکل فائق آید و چشم‌اندازی - ولو تقریبی و محتمل - از آنچه به عنوان سود نصیب سپرده‌گذاران خواهد شد، در اختیار آنان قرار ندهد، این امکان وجود دارد که صاحبان وجوه از سپرده‌گذاری در بانک منصرف شده و آلت‌ناتیوهای دیگری - غیر از بانک - را برای سرمایه‌گذاری وجوه خود انتخاب کنند.

ب) پرداخت یک‌باره سود پس از پایان دوره مالی و اتمام محاسبات نیز از دیگر عواملی است که به کاهش رغبت صاحبان وجوه برای سپرده‌گذاری در بانک منجر می‌شود. اگر بانک بتواند راهی بیابد که به استناد آن پرداخت سود به صاحبان سپرده در فواصل زمانی کوتاه‌تری انجام شود، بدون تردید از جاذبه بیشتری برای جلب وجوه مازاد مردم برخوردار خواهد شد.

تعیین نرخ سود علی‌الحساب در بانکداری جدید در ایران و پرداخت ماهانه یا سه ماه یک بار آن به سپرده‌گذاران، در واقع برای رفع همین دو مشکل بوده است. به عبارت دیگر، مسئولان نظام بانکی کشور به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری از بروز بحران انگیزه، می‌توانند با اعلام نرخ «سود علی‌الحساب» در ابتدای هر دوره و پرداخت ماهانه مبلغی به عنوان علی‌الحساب به سپرده‌گذار، او را نسبت به سپرده‌گذاری در بانک راغب کنند.

نظام بانکی با اعلام نرخ سود علی‌الحساب برای وجوه سرمایه‌گذاری توانسته است تا حدود زیادی بر نخستین مشکل از دو مشکلی که در قسمت قبل بیان شد، فائق آید. همچنین، نظام بانکی برای غلبه بر دومین مشکل مطرح شده در قسمت قبل، دوره‌های مالی خود را حتی المقدور کوتاه کرده است. از آن‌جا که این کار محدودیت‌ها و مشکلات خاصی را ایجاد می‌کند و ممکن است عملاً کوتاه کردن

دوره‌های مالی برای محاسبه سود و زیان قطعی عملیات مقدور نباشد، در این زمینه نیز استفاده از مکانیزم پرداخت «علی الحساب» می‌تواند مشکل را حل کند. بدیهی است پرداخت سود علی الحساب از نظر سهولت مانند پرداخت بهره است و برخلاف سود قطعی، به دلیل عدم نیاز به اطلاعات و محاسبات پیچیده به راحتی امکان‌پذیر است و می‌توان به هر اندازه که لازم باشد، دوره این‌گونه پرداخت‌ها را کوتاه کرد و حتی به صورت روز شمار آن را محاسبه کرد.

ماهیت حقوقی سود علی الحساب

به استناد مفهوم وکالت و نیز مواد ۵ و ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا، مواد ۸ و ۱۰ آئین نامه اجرائی فصل دوم قانون و مواد ۱۰، ۱۴ و ۲۰ دستورالعمل اجرائی فصل یاد شده، صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، مادام که وکالت بانک را در مورد سپرده‌های خود ابطال نکرده‌اند و سود قطعی ناشی از عملیات بانک نیز محاسبه و معلوم نشده است، حق مطالبه هیچ‌گونه وجهی از بانک ندارند. در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود که آنچه بانک‌ها تحت عنوان سود علی الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، از نظر حقوقی چگونه قابل توجیه است؟

اصولاً مفهوم «علی الحساب» به معنی مبادله موقت پول و مانند آن بین دو شخصیت حقیقی یا حقوقی است. بدین معنی که یکی از طرفین وجهی را به طرف مقابل می‌پردازد، مشروط بر این که پس از محاسبه و حسابرسی، چنانچه گیرنده، واقعاً نسبت به تمام یا بخشی از وجه دریافتی، طلبکار نباشد، آن را به پرداخت‌کننده مسترد نماید. بدیهی است قبل از انجام حسابرسی، به دلیل این که هنوز بدهکار بودن پرداخت‌کننده محرز نشده است، دریافت‌کننده معادل وجهی که به طور علی الحساب دریافت کرده، به پرداخت‌کننده مدیون است. این مطلب کلی در مورد رابطه میان بانک و صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز صادق است.

به عبارت دیگر، اگر مفهوم واقعی سود علی الحساب در نظر باشد، با پرداخت سود علی الحساب، اگرچه عین پول پرداختی به ملکیت سپرده‌گذار در می‌آید ولی ذمه وی تا زمان معلوم شدن سود قطعی، معادل همان مبلغ به نفع بانک مشغول می‌گردد. این مفهوم، چیزی جز مفهوم «قرض» در عقود اسلامی نیست. به این ترتیب، ماهیت حقوقی وجوهی که با عنوان سود علی الحساب به سپرده‌گذار پرداخت شود تنها در قالب مفهوم «قرض» قابل توجیه و تبیین است.

برای تبدیل شدن سود علی الحساب به بهره، کافی است سپرده‌گذار را از قطعی بودن مبلغی که به عنوان سود علی الحساب دریافت کرده است، «مطمئن» کرد. زیرا فارق اصلی میان بهره و سود علی الحساب، وجود یا فقدان عنصر اطمینان است. اگر سپرده‌گذار به طریقی مطمئن شود که سود

علی الحساب دریافتی، حتی در صورت عدم حصول سود واقعی در عملیات سرمایه گذاری، از او باز پس گرفته نخواهد شد، در آن صورت، سود علی الحساب کارکردی دقیقاً مانند نرخ بهره خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر ویژگی عدم قطعیت از سود علی الحساب گرفته شود، دوگانگی بهره و سود علی الحساب به یگانگی تبدیل خواهد شد.

در نظام بانکداری ربوی، سپرده گذار در مورد دریافت بهره، تضمین حقوقی دریافت می کند. به این معنی که در صورت نکول بانک از پرداخت بهره مربوط به سپرده، سپرده گذار می تواند از مسئولان بانک به مراجع قانونی شکایت کند. متقابلاً، در یک نظام بانکداری که واقعاً و در عمل بدون بهره باشد، در صورت استفاده از نرخ سود مورد انتظار، هیچ گونه تضمینی به سپرده گذار اعطا نمی شود و چنانچه در پایان دوره و پس از حسابرسی، بانک ادعا کند که سود قطعی کمتر از سود علی الحساب پرداخت شده بوده، سپرده گذار حق هیچ گونه اعتراضی را ندارد. در نظام بانکی جدید در ایران، ابزار نرخ سود علی الحساب مورد سوء استفاده قرار گرفته است. به این صورت که بدون توجه به ماهیت سود علی الحساب و وجه ممیزه آن با بهره، به گونه ای عمل شده است که صاحبان سپرده های سرمایه گذاری از دو طریق نسبت به قطعی بودن نرخ سود علی الحساب اطمینان حاصل کرده اند. یکی از طریق اعطای تضمین حقوقی از سوی نظام بانکی به سپرده گذاران و دیگر اعطای تضمین عملی به سپرده گذاران. عملکرد ۱۸ ساله بانک ها در مورد کیفیت محاسبه نرخ سود قطعی سپرده های سرمایه گذاری در پایان هر دوره مالی به روشنی این اطمینان را به صورت انتظارات تطبیقی برای سپرده گذاران ایجاد کرده است که نرخ سود علی الحساب اعلام شده در آغاز دوره، در واقع، حداقل نرخ سود تضمین شده است. به این معنی که نرخ سود قطعی در پایان دوره اگر بیش از نرخ سود علی الحساب نباشد، کمتر از آن نخواهد بود. این رفتار بانک ها به طور طبیعی موجب شده که ابزار نرخ سود علی الحساب از خصیصه «تزلزل و عدم قطعیت» جدا شود، به طوری که دریافت کنندگان سود علی الحساب عملاً ذمه خود را به نفع بانک تا پایان دوره مالی مشغول نمی دانند، این طرز تلقی با ماهیت حقوقی سود علی الحساب قابل جمع نیست.

طی سال های ۱۳۶۳ تاکنون که قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور اجرا شده است، حتی یک نمونه وجود ندارد که محاسبات پایان دوره، نرخ سود قطعی سپرده های سرمایه گذاری را کمتر از نرخ سود علی الحساب اعلام شده در آغاز دوره نشان داده باشد.

بدیهی است نمی توان این امر را نشانه دقت پیش بینی های کارشناسانه بانک ها از اوضاع و احوال کسب و کار در ابتدای هر دوره دانست. مضافاً این که وقتی پیش بینی های یک مرجع کارشناسی همواره و بدون استثناء درست از کار در بیاید، طبیعتاً باید در صحت محاسبات واقعی که برای نشان

دادن درستی آن پیش‌بینی‌های انجام شده، تردید کرد.

البته بانک‌ها می‌توانند با تغییر دادن حق‌الوکاله بانک‌ها در پایان هر دوره مالی به گونه‌ای عمل کنند که بخشی از خطای پیش‌بینی اولیه پوشش داده شود و ارقام قطعی به ارقام پیش‌بینی شده نزدیک گردد. همچنین، دولت می‌تواند در سال‌هایی که سود واقعی از سود علی‌الحساب اعلام و پرداخت شده کمتر است، کمبود آن را با استفاده از منابع خود جبران کند. ولی به هر حال، حاصل تمامی این تلاش‌ها چیزی جز اعطای اطمینان به سپرده‌گذار در مورد این که سود قطعی سپرده وی کمتر از سود علی‌الحساب اعلام شده نخواهد بود، نیست.

جایگاه قانونی سود علی‌الحساب

در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در بخش تجهیز منابع، هیچ‌گونه مجوزی برای پرداخت سود علی‌الحساب یا تضمین‌شده داده، نشده است. در این قانون، راه‌های به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از جانب بانک‌ها مشخص شده و نحوه تقسیم منافع حاصل هم پیش‌بینی شده است:

تبصره ماده ۳ قانون: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک‌ها در به‌کار گرفتن آن‌ها وکیل می‌باشند، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱»

ماده ۵ قانون: «منابع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ این قانون، براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.^۲»

همچنین، در آیین‌نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران و دستورالعمل اجرایی شورای پول و اعتبار نیز پرداخت سود از پیش تعیین شده ولو این که عنوان علی‌الحساب داشته باشد، ممنوع شده است.

ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرائی: «به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی با عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده‌ای از قبل به‌عنوان سود پرداخت نخواهد شد.^۳»

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قانون عملیات بانکی بدون ربا.

۲. همان.

۳. مرتضی‌والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۸۳.

تبصره ۲ ماده ۱۴ دستورالعمل اجرائی: "بانک‌ها نمی‌توانند به هیچ یک از سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، رقم تعیین شده‌ای از قبل به عنوان سود اعلام و یا پرداخت نمایند. حتی در ماده ۲۱ دستورالعمل اجرائی در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت تصریح شده است که سود این قبیل سپرده‌ها در پایان سال پرداخت خواهد شد: "منافع سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در پایان هر سال.. پرداخت خواهد شد."^۱

نخستین متن حقوقی که در آن کلمه "علی‌الحساب" آمده است، ماده ۲۱ دستورالعمل اجرائی مصوب شورای پول و اعتبار است. دستورالعمل یاد شده نیز تعیین نرخ سود علی‌الحساب و پرداخت سود علی‌الحساب بر مبنای نرخ یاد شده به تمامی سپرده‌گذاران را تجویز و توصیه نکرده است. این دستورالعمل تنها برای راهگشایی در مواردی است که سررسید یک سپرده بلندمدت قبل از دوره مالی بانک فرا می‌رسد و سپرده‌گذار خواستار استرداد سرمایه و سود خود است. متن کامل ماده ۲۱ دستورالعمل اجرائی مصوب شورای پول و اعتبار به شرح زیر است: "منافع سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در پایان هر سال پس از تعیین سود ناشی از عملیات مربوط به امور موضوع ماده ۱۲ همان سال پرداخت خواهد شد. منافع سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت در صورتی که سررسید آن‌ها مصادف با پایان شهریور یا اسفند باشد، به‌طور قطعی و در غیر این صورت به‌طور علی‌الحساب پرداخت خواهد شد. تکلیف پرداخت‌های علی‌الحساب مزبور، پس از تعیین منافع سپرده‌گذار به شرح ماده ۲۰ تعیین خواهد گردید."^۲

به‌طوری که مشهود است، در ابتدای این ماده بانک‌ها مکلف شده‌اند منافع حاصل از سرمایه‌گذاری سپرده‌های کوتاه‌مدت را در پایان هر سال تعیین و به سپرده‌گذار پرداخت کنند و پرداخت سود علی‌الحساب به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نیز نه به‌عنوان یک حکم عام بلکه به‌عنوان راه حل در موارد خاص پیش‌بینی شده است.

در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵ متن حقوقی دیگری به تصویب شورای پول و اعتبار رسید که به موجب آن پرداخت سود علی‌الحساب به‌عنوان یکی از مصادیق بارز فعالیت‌های بانکی و به مثابه یک حکم عام - و نه یک راه حل موردی - در نظام بانکی جدید در ایران، وجهه قانونی یافت. در بند اول صورتجلسه هفتصد و پنجاه و ششمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵ آمده است: "... شورا... به اتفاق آراء فعالیت‌های زیر را مصادیق بارز فعالیت‌های بانکی، پولی و اعتباری

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۲۰.

تشخیص داد که صرفاً توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز و با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قابل انجام است... اعطای هر نوع سود و منفعت اعم از تضمین شده، علی الحساب، قطعی...^۱

در حال حاضر، در نظام بانکی کشور به موجب این مصوبه، نرخ‌های سود علی الحساب تعیین و اعلام می‌شود و عملکرد آن هم به گونه‌ای بوده است که سپرده‌گذار از دریافت این سود «مطمئن» است و آن را «سود قطعی» سپرده خود تلقی می‌کند.

۴. تخصیص منابع

از ویژگی‌های اساسی عملیات بانکی بدون ربا در مقایسه با عملیات بانکی سنتی، توجه جدی به مورد مصرف و به عبارت دیگر هدف‌مند بودن تسهیلات اعطایی است و این امر با نظارت بانک‌ها بر موارد مصرف وجوه امکان‌پذیر است.

براساس مفاد ماده ۴ فصل سوم آیین نامه عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها بر حسن اجرای قراردادهای منعقد شده در ارتباط با تسهیلات اعطایی اعم از نحوه مصرف و بازگشت تسهیلات «نظارت لازم و کافی به عمل خواهند آورد».^۲ اما نبود نظارت کافی سبب شده است که بخشی از تسهیلات بانکی از بخش اقتصادی مورد نظر خارج شود یا این که صرفاً برای پوشش دادن هزینه‌های جاری به کار رود. عدم تأمین هدف اعطای تسهیلات در بخش سرمایه‌گذاری از مشکلات عملیاتی نظام بانکی جدید کشور قلمداد می‌گردد.

بخش سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری بدون ربا، به دلیل ویژگی خاص آن، تشکیلات تخصص یافته‌ای را طلب می‌کند که قابلیت شناسایی و ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی، نظارت بر حسن اجرا و حسابرسی دقیق عملکرد مالی پروژه‌ها را داشته باشد.

به موجب دستورالعمل‌های اجرایی و همچنین عقود اسلامی، اعمال نظارت بر عهده بانک‌ها گذاشته شده است و بانک‌ها مجازند در مواقع ضروری از کالا، اموال، محل کار، کارگاه یا دفتر قانونی و اسناد حسابداری مشتریانی که به عنوان عامل یا طرف قرارداد هستند، به منظور اطمینان از مصرف صحیح تسهیلات اعطایی و نیز مباشرت مشتری در کار موضوع قرارداد از طریق اعزام ناظر، نظارت و بازدید به عمل آورند.

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شورای پول و اعتبار، صورتجلسه ۷۵۶، جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵.

۲. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۲۱۸.

مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ... ۱۳۵

در عقد مشارکت مدنی بنابر ماده (۱۳) دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها موظف‌اند به منظور اجرای قراردادهای منعقدۀ موضوع عقد مزبور تا خاتمه موضوع شرکت و تسویه حساب، نظارت لازم و کافی به عمل آورند.

در عقد مضاربه براساس ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها مکلف‌اند بر مصرف منابع و برگشت آن و همچنین بر عملیات اجرایی مضاربه نظارت لازم و کافی به عمل آورند.

در عقد فروش اقساطی نیز نظارت شکل خاص این عقد را به خود می‌گیرد، با توجه به تعاریفی که در مورد عقد مزبور از نظر مدت، تعدد، دلایل رفع نیاز (مواد اولیه، ماشین‌آلات، تأسیسات و ساختمان و مسکن) برای واحدهای کوچک و بزرگ جدید یا توسعه واحدهای موجود وجود دارد، نظارت بر آن نیز ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند.

به این ترتیب، نظارت برای حصول اطمینان از چگونگی مصرف تسهیلات اعطائی و رعایت تمامی شرایط قراردادها، ضروری است.

ارائه پیش فاکتور جعلی

در برخی از عقود که در حال حاضر برای تخصیص منابع در بانکداری جدید در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند، همچون مضاربه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، عملیات با ارائه یک برگ پیش فاکتور به بانک از سوی متقاضی تسهیلات آغاز می‌شود. برگه مزبور در واقع تصدیق‌کننده واقعی بودن فرایندی است که در صورت موافقت بانک آغاز خواهد شد. متقاضی تسهیلات مضاربه با مراجعه به بانک و ارائه یک پیش فاکتور که در آن مقدار، قیمت و خصوصیات کالا ذکر شده است، از بانک می‌خواهد که از طریق عقد مضاربه و پرداخت مبلغ مندرج در پیش فاکتور، وی را بعنوان عامل مضاربه به کار گیرد. همچنین، در تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، پیش فاکتور صادر شده به نام متقاضی یا بانک، حکایت از اوصاف و قیمت کالایی می‌کند که قرار است بانک آن را خریداری کند و به متقاضی اجاره دهد یا به صورت نسیه واگذار نماید.

بدیهی است در صورت جعلی بودن فاکتور، مشروعیت کل فرایند مورد سؤال خواهد بود. با وجود این، مشتریان بانک‌ها برای اخذ تسهیلات در قالب عقود فوق‌الذکر اقدام به ارائه فاکتور جعلی می‌کنند. مسئولان نظام بانکی خود به این امر اذعان دارند ولی آن را ناشی از تبانی فروشنده کالا و خریدار

(متقاضی تسهیلات) می‌دانند که ارتباطی به بانک ندارد.^۱ در پاره‌ای از موارد، «اشخاص بدون این که کالایی خریداری نمایند از فروشندگان فقط فاکتور گرفته و به بانک ارائه می‌دهند و بانک هم به استناد این فاکتورها به فروشندگان پول پرداخت می‌نماید. در حالی که اصلاً کالایی وجود ندارد و معامله‌ای صورت نگرفته است.»^۲ در حالی که، به عنوان مثال، براساس ماده ۱۰ دستورالعمل اجرائی مضاربه «بانک‌ها مکلفند بر مصرف سرمایه نقدی (منابع) و برگشت آن و همچنین بر عملیات اجرائی مضاربه نظارت لازم و کافی به عمل آورند.»^۳

ارائه سفته صوری

یکی از عقود که اگرچه در متن قانون عملیات بانکی بودن ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی ذکر از آن به میان نیامده ولی به استناد آیین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری مصوب چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۹ مورد استفاده قرار می‌گیرد، عقد خرید دین است. براساس ماده ۳ آیین نامه یاد شده، بانک‌ها موظف‌اند قبل از تنزیل اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین اطمینان حاصل کنند. با وجود این، به اعتراف برخی از دست‌اندرکاران نظام نوین بانکداری در کشور، طی سال‌های گذشته، عملاً شاهد این موضوع بوده‌ایم که بانک‌ها بدون بررسی و اطمینان کامل از واقعی بودن اسناد ارائه شده و دین مندرج در آن‌ها، اقدام به انجام عقد خرید دین کرده‌اند.^۴

عدم استفاده از وجوه دریافتی در مورد قرارداد

نتیجه قهری ارائه پیش فاکتور جعلی این است که متقاضی وجوه دریافتی را در مورد قید شده در قرارداد مصرف نمی‌کند. روش دیگری که برای نشان دادن عدم استفاده از وجوه دریافتی در مورد

۱. روزنامه رسالت، مصاحبه با مدیر عامل بانک ملی ایران، شماره ۱۹۹۷ مورخ ۱۳۷۱/۹/۱۴.

۲. علی‌اصغر بامداد، بررسی و شناخت عوامل بازدارنده و تارسایی بانکداری اسلامی، مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱، ص ۵.

۳. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳.

۴. علی‌اصغر هدایتی، «نگرشی بر ابعاد مسائل نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روند، زمستان ۱۳۷۲، ص ۳۳.

مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ... ۱۳۷

جدول ۱. مانده تسهیلات بانکی بخش غیر دولتی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی

واحد: میلیارد ریال

موضوع	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تسهیلات جدید اعطایی بانکها به بخش غیردولتی (۱)	۴۱۶۹۸/۵	۵۴۲۱۳/۸	۶۵۹۰۷/۸	۸۸۲۲۴۳	۱۲۸۴۳۵
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی (قیمت‌های جاری) (۲)	۲۲۷۳۱/۸	۳۳۴۹۴/۶	۳۹۴۵۹/۸	۴۴۰۰۰/۸	۵۴۲۸۰/۴
نسبت (۲) به (۱) بر حسب درصد	۵۴	۶۱	۵۹	۴۹	۴۲

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۸.

قرارداد می‌توان به کاربرد، مقایسه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی با مانده تسهیلات سرمایه‌گذاری بانکها است. جدول ۱ این وضعیت را نشان می‌دهد.

همان‌طور که از جدول ۱ ملاحظه می‌شود، به‌طور متوسط حدود نیمی از تسهیلات جدید اعطایی بانکها برای سرمایه‌گذاری در زمینه تشکیل سرمایه استفاده نشده و در هزینه‌های جاری و غیر سرمایه‌ای خانوارها و بنگاه‌ها به مصرف رسیده است. این مقایسه به تفکیک بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن نیز امکان‌پذیر است و نتیجه مشابهی به دنبال دارد.

مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکها

مقصود از مطالبات معوق، اقساط یا کل مبلغ تسهیلات اعطایی بانکها است که بازپرداخت نشده است. البته در هر نظام بانکی این انتظار وجود دارد که مبالغ اندکی وصول نشود ولی حجم و رشد آن موضوعی است که دلالت بر ناکارایی در تخصیص منابع و نبود نظارت کافی دارد. همان‌گونه که از جدول ۲ ملاحظه می‌شود، مطالبات معوق بانکها از ۰/۲ و ۱/۲ درصد به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ به ۶/۹ و ۵/۵ درصد به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ افزایش یافته است.

جدول ۲. مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکها از بخش غیردولتی (۱۳۶۳-۱۳۷۸)

عنوان	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۶	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
سهم مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکها در کل مطالبات بانکها از بخش غیردولتی (درصد)	۰/۲	۱/۲	۱/۷	۲/۶	۶/۵	۶/۳	۶/۹	۵/۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه، ۱۳۷۸-۱۳۶۳.

۵. نحوه محاسبه سود بانکی

یکی از بارزترین ویژگی‌های نظام بانکی بدون ربا در مقایسه با نظام بانکداری ربوی (سنتی) نحوه محاسبه مبلغ اضافه در مقابل سپرده‌ها و تسهیلات اعطائی است. در نظام بانکی ربوی مبلغ اضافه به صورت بهره که نرخ ثابت و از پیش تعیین شده‌ای دارد، محاسبه شده و به سپرده‌گذاران پرداخت و از وام‌گیرندگان دریافت می‌شود. ملاک تعیین نرخ بهره در نظام مذکور بیشتر به سودآوری بانک‌ها بستگی دارد و توجه چندانی به بازدهی وجوه نمی‌شود. اما در نظام بانکی بدون ربا نحوه محاسبه مبلغ اضافه بر سرمایه بستگی کامل به بازدهی سرمایه دارد، به این ترتیب که بانک‌ها با اخذ وکالت از صاحبان سرمایه (سپرده‌گذاران) بعد از انجام بررسی‌های لازم اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌کنند و سود حاصل را پس از کسر کارمزد و کالت و درصدی از سود به عنوان سهم بانک میان سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند. میزان سودی که عاید سپرده‌گذاران می‌شود در ابتدا مشخص نبوده و به بازدهی بخش‌هایی که از سرمایه سپرده‌گذاران استفاده کرده‌اند، بستگی دارد. به عبارت دیگر، در نظام بانکی ربوی ابتدا نرخ بهره سپرده‌ها تعیین شده و سپس با در نظر گرفتن میزان نرخ سود مورد نظر برای بانک، نرخ بهره وام‌ها و اعتبارات تعیین می‌شود. اما در نظام بانکی بدون بهره بعد از تحقق سود و با کسر میزان سهم سود مورد نظر بانک و کارمزد وکالت، ما بقی سود میان سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود.

مسیر تعیین مبلغ اضافه در نظام بانکی بدون بهره: $(۱) - (۲) = (۳)$

$$\begin{array}{lcl} \text{نرخ بهره پرداختی} & + & \text{نرخ سود مورد نظر} \\ \text{به سپرده‌گذاران} & & \text{بانک و هزینه‌های عملیاتی} \end{array} = \text{نرخ بهره وام‌ها و اعتبارات}$$

مسیر تعیین مبلغ اضافه در نظام بانکی ربوی $(۱) + (۲) = (۳)$

$$\begin{array}{lcl} \text{نرخ سود تحقق یافته از} & - & \text{کارمزد وکالت و سهم} \\ \text{فعالیت‌های اقتصادی} & & \text{سود مورد نظر بانک} \end{array} = \text{نرخ سود سپرده‌ها}$$

بنابراین، نرخ سود در نظام بانکداری بدون بهره کاملاً متغیر و واقعی است و به صورت درون‌زا تعیین می‌شود و مانند نظام بانکی ربوی، مبلغ اضافه پرداختی توسط وام‌گیرندگان به عنوان یکی از هزینه‌های تولید تلقی نمی‌شود. اما در عمل محاسبه سود در نظام بانکی کشور مشابه روشی است که در بانکداری سنتی استفاده می‌شود.

فرمول کلی محاسبه بهره (مبلغ اضافه) در نظام بانکی ربوی به صورت زیر است:

$$(۱) \quad \text{مدت} \times \text{نرخ بهره} \times \text{مبلغ سپرده یا وام} = \text{بهره}$$

فرمول کلی محاسبه سود در سیستم بانکی فعلی ایران نیز به صورت زیر است:

$$(۲) \quad \text{مدت} \times \text{نرخ سود} \times \text{میزان سپرده سرمایه‌گذاری یا تسهیلات اعطائی} = \text{سود}$$

واحد مدت $\times ۱۰۰$

تفاوت نرخ سود (نرخ بهره) سپرده‌ها و تسهیلات در دو نظام با بهره و بدون بهره، در آمد بانک‌ها را تشکیل می‌دهد.

بامقایسه دو فرمول پیشین به این نتیجه می‌رسیم که اگر نرخ سود در فرمول (۱) به صورت صحیح و واقعی محاسبه و اعلام نشود هیچ گونه تفاوتی میان دو فرمول (۱) و (۲) نخواهد بود، مگر به تغییر الفاظ. از طرف دیگر، نرخ سود باید براساس مبلغ "سود" حاصل شده محاسبه شود، در حالی که اگر براساس مبلغ "سپرده" - که اصطلاحاً سرمایه نامیده می‌شود - محاسبه می‌گردد، در این صورت محاسبه سود براساس نظام سهم‌بری در سود نیست.

مسئله دیگری که در بخش تسهیلات باید مدنظر قرار گیرد، میزان نرخ‌های سود در بخش‌های مختلف اقتصادی است که خود نشانگر عملکرد نامناسب سیستم بانکی در تعیین و اعلام نرخ‌های سود است.

با مقایسه حداقل و حداکثر نرخ‌های سود در بخش‌های مختلف اقتصادی طی سال‌های گذشته (۷۸-۱۳۶۳) می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت نرخ‌های سود اعلام شده در بخش‌های کلیدی و زیر بنایی (صنعت و معدن، کشاورزی و...) با بخش‌های خدماتی و بازرگانی بسیار کم بوده و این امر در طول سالیان گذشته همواره سبب انتقال سرمایه از بخش‌های زیربنایی اقتصاد - که در کوتاه‌مدت از بازدهی کمتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار هستند - به بخش‌های خدماتی و بازرگانی گردیده است. این امر سبب شده تا منابع بیشتری عملاً به بخش‌های خدماتی سوق داده شود.

یکسان بودن سود بانکی در تمامی بانک‌ها یکی دیگر از دلایل عملکرد نامناسب تعیین نرخ‌های سود بانکی است. در نظام بانکی کنونی سود دریافتی و پرداختی براساس نرخ‌هایی است که هر ساله از سوی شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود و در تمام بانک‌ها به صورت یکسان محاسبه می‌شود، در حالی که سود حاصل از مشارکت هر بانک در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت از بانک‌های دیگر است، لذا با پرداخت سود یکسان به تمامی سپرده‌گذاران نظام بانکی، مانع از ایجاد فضای رقابتی سالم میان

بانک‌ها می‌شود. همچنین، وجود نرخ یکسان باعث شباهت زیاد نظام بانکی و عملیات آن با نظام ربوی می‌شود که نرخ‌های بهره معین و یکسانی دارند. البته اخیراً گام‌هایی در جهت اصلاح این نقیصه برداشته شده است.

۶. نامناسب بودن سازماندهی

پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، لازم بود متناسب با قانون جدید و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نوینی که برای عملیات بانکداری بدون ربا در ایران تدوین شده، تشکیلات و سازماندهی مناسب برای به مرحله اجرا در آوردن قانون به نحو مطلوب طراحی شود. اما تمامی تغییرات مربوط به تشکیلات و سازماندهی بانک‌ها قبل از تصویب قانون بوده است (۱۳۵۸) و پس از تصویب و اجرای قانون هیچ‌گونه تغییری در تشکیلات و سازماندهی بانک‌ها ایجاد نشده است. حتی تغییراتی که قبل از تصویب قانون در سازماندهی بانک‌ها ایجاد شده است، مانند ملی شدن بانک‌ها و ادغام آن‌ها (۱۳۵۸) تنها مالکیت بانک‌ها را به دولتی تغییر داده است و در نحوه سازماندهی هیچ تغییری حاصل نشده است. شاید بتوان با اطمینان زیاد اظهار داشت که تشکیلات کنونی بانک‌ها تداوم نظام قبلی به شمار می‌آید. بدیهی است از آن جاکه روح و جوهر اصلی حاکم بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا با نظام‌های سنتی موجود در جهان تفاوت و تغایر ماهوی دارد، بستر اجرایی قبل از قانون بانکداری بدون ربا نمی‌تواند خاستگاه مناسب و کارآمدی برای اجرای قوانین جدید به شمار آید.

مقارن پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تغییر نظام بانکی، بانک‌ها به جز بانک مرکزی از جهت مالکیت سرمایه به‌طور کلی به سه دسته زیر تقسیم شده بودند:

(۱) بانک‌های دولتی^۱؛ (۲) بانک‌های خصوصی با سرمایه ایرانی^۲؛ (۳) بانک‌های خصوصی

۱. بانک‌های دولتی به آن دسته از بانک‌ها گفته می‌شد که سرمایه آن‌ها را دولت به‌صورت شرکت سهامی تأمین می‌کرد. سهام این نوع بانک‌ها متعلق به دولت بود و نمایندگان دولت به‌عنوان صاحبان سهام در مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده در آن شرکت می‌کردند. به‌طور کلی، اداره این نوع بانک‌ها را دولت به‌عهده داشت و هیأت مدیره و ارکان دیگر آن‌ها از طرف دولت عزل و نصب می‌شدند.

۲. بانک‌های خصوصی با سرمایه ایرانی، آن دسته از مؤسسات مالی بودند که با سرمایه اشخاص خصوصی تشکیل شده و ضمن انجام عملیات مختلف، فعالیت‌های بانکی نیز انجام می‌دادند.

مختلط.^۱

فعالیت عمده این بانک‌ها (به استثناء بانک توسعه صنعتی و معدنی) محدود به موارد زیر می‌شد:

۱. قبول سپرده ثابت و افتتاح حساب جاری

۲. پرداخت اعتبار به اشخاص

۳. تنزیل اوراق تجاری

شایان ذکر است که بانک‌های خصوصی مختلط (به استثناء بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران) بانک‌های بازرگانی بودند و فقط در بازار پول فعالیت داشته‌اند.

براساس پرسش‌های به عمل آمده از رؤسای شعب و کارگزاران تسهیلات نظام بانکی، عامل اصلی و اساسی در بروز مشکلات و عدم تحقق قانون جدید و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نظام بانکی، عدم تغییر سازماندهی و تشکیلات نظام بانکی براساس قانون و آیین‌نامه‌های جدید است.^۲

۷. بوروکراسی و طولانی بودن مراحل دریافت تسهیلات

یکی از مشکلات بانکداری کنونی کشور طولانی بودن مراحل دریافت اغلب تسهیلات بانکی است. هر یک از عقود یک رشته مراحل کلی را طی می‌کنند، به گونه‌ای، ۱۶ مرحله تقریباً برای تمامی عقود وجود دارد.

مراحل کلی عقود اسلامی در نظام بانکداری جدید کشور به ترتیب زیر است:

۱. مذاکره و تسلیم برگ درخواست به مشتری

۲. تشکیل پرونده

۳. بررسی بدهی مستقیم ضامن و متقاضی

۴. بررسی سوابق معاملاتی غیرمستقیم متقاضی و ضامن

۵. ضمیمه کردن پرونده‌های غیرمستقیم ضامن و متقاضی

۶. قبول درخواست، ارزیابی و تصویب وام یا تسهیلات

۷. انجام عملیات حسابداری

۸. نگهداری و کنترل قراردادها

۱. بانک‌های خصوصی مختلط بانک‌هایی بوده‌اند که سرمایه مشترک ایرانی و خارجی داشتند، ولی اکثریت سهام آن‌ها متعلق به

اتحاد ایرانی بود.

۲. وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۵.

۹. برگشت پرونده پس از پرداخت به دایره اعتبارات

۱۰. انعکاس اطلاعات آماری

۱۱. بایگانی پرونده

۱۲. نظارت و بازرسی

۱۳. تحویل کار به مشتری و بهره برداری مشتری

۱۴. وصول مطالبات

۱۵. صدور اجرائیه در مواقع تأخیر مطالبات

۱۶. مراحل اضافی بر حسب مورد

هر یک از این مراحل شامل مراحل فرعی نیز است، به خصوص مرحله هفتم که حسابداری است. در این جا مدارک لازم برای ۶ عقد از عقود اسلامی که متقاضی استفاده از منابع بانکی باید تکمیل کند، به طور خلاصه مطرح می‌شود. البته لازم به اشاره است که مدارک لازم برای اجرای عقود در بانک‌ها، متفاوت است. به همین دلیل، در این جا تنها مدارک لازم در بانک ملی مورد بحث قرار می‌گیرد.

برای آن که شخص حقیقی یا حقوقی براساس عقود اسلامی از بانک اعتبار دریافت کند، لازم است مراحل چندگانه‌ای را پشت سرگذارد. بانک‌ها نیز موظف به کنترل و نظارت بر تمامی این مراحل‌اند، لذا نیازمند آن‌اند که واحدهای تخصصی همچون امور مالی، امور حقوقی، تخصص مربوط به ترخیص کالا و حسابرسی امور معامله را در درون خود ایجاد کنند. بخشی از این مدارک مربوط به تشخیص هویت متقاضی و موضوع فعالیت او است، مانند تهیه اوراقی از اداره اطلاعات اعتباری یا سرپرستی شعبه که در آن مشخصات و اطلاعات کامل در مورد متقاضی آمده است و یا تهیه مدارک حاکی از وضعیت متقاضی از سایر منابع، که در ۶ عقد مورد نظر بانک ملی به موارد یاد شده، اشاره شده است. تعداد دیگری از این مراحل اداری مربوط به نیاز مالی و موضوع معامله و همچنین صورت هزینه‌ها به منظور تحقق معامله است، مانند تعیین نوع معامله در مورد عقد مضاربه، برگ درخواست استفاده از تسهیلات مضاربه که در آن نوع و مشخصات کالای مورد معامله قید شده است، تهیه پیش فاکتور مربوط به خرید کالای مورد مضاربه، تکمیل مدارک مربوط به پیش‌بینی هزینه‌های قابل قبول، فاکتور هزینه‌های انجام شده به منظور تحقق معامله و....

تعداد دیگری از این مدارک مربوط به کنترل جریان مالی معامله است تا بانک بتواند به بررسی مالی و احیاناً حقوقی موضوع معامله بپردازد، مانند صورت برآورد فروش نقدی کالای مورد معامله. جدول شماره ۳ شمایی از بوروکراسی در نظام بانکداری کنونی ایران را نشان می‌دهد.

۸. دولتی بودن

اولین گامی که در ایران پس از انقلاب اسلامی در جهت تغییر نظام بانکی کشور برداشته شد، ملی کردن بانکها بود. بر اساس ماده اول قانون ملی شدن بانکها که در ۵۸/۳/۱۷ به تصویب شورای انقلاب رسید، تمام بانکهای کشور ملی اعلام شدند. همچنین، در ماده دوم قانون مزبور تصریح شده است که از زمان تصویب قانون، تنها امضای مدیرانی که از طرف دولت برای بانکها تعیین می شوند، دارای اعتبار قانونی است.

به فاصله کمتر از چهار ماه از تصویب قانون ملی شدن بانکها، لایحه قانونی اداره امور بانکها در تاریخ ۵۸/۷/۳ تصویب شد. بر اساس این لایحه، مجمع عمومی بانکها که اعضای آن را شش عضو عالی رتبه دولت (وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، بازرگانی، کشاورزی، مسکن و رئیس سازمان برنامه و بودجه) تشکیل می دهند، به عنوان عالی ترین رکن اداره بانکهای کشور شناخته شده است. در ماده ۶ لایحه قانونی اداره امور بانکها آمده است که انتخاب اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانکهای تخصصی و تجاری از وظایف مجمع مزبور است و احکام مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره بانکها با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر خواهد شد.

به این ترتیب، شبکه بانکی در جمهوری اسلامی ایران از لحاظ قانونی و تشکیلاتی، تحت امر دولت بوده و مدیران آن نیز منتخب و مأمور دولت اند بخشی از مشکلات مربوط به تخصیص وجوه سرمایه گذاری از ویژگی دولتی بودن بانک در ایران ریشه می گیرد.

دولت به استناد تسلط قانونی و تشکیلاتی که بر شبکه بانکی کشور دارد، می تواند با در دست گرفتن مدیریت تخصیص منابع، منابع بانکها را به دلخواه خود تخصیص داده و مدیران نظام بانکی را (که در واقع مأموران تحت امر دولت هستند) به پیروی از دستورات خود وادار کند.

برخی از موارد استفاده دولت از نظام بانکی که بانکها را به صندوق دار دولت تبدیل می کند عبارت اند از:

(الف) استقراض دولت از بانک مرکزی (الزام بانک مرکزی به تأمین مالی کسری بودجه دولت).

(ب) استقراض شرکتها و مؤسسات دولتی از نظام بانکی (الزام نظام بانکی به اعطای وام به شرکت های دولتی).

استقراض دولت بدون سود است. حتی دولت نسبت به باز پرداخت اصل آن نیز اقدام جدی نکرده است، از سوی دیگر، در اغلب سالها مانند ۷۲-۱۳۶۲ بدون کارمزد بوده است.

استقراض شرکتها و مؤسسات دولتی از نظام بانکی با نرخ کارمزد پایین صورت گرفته است. همچنین، به دلیل ناتوانی در باز پرداخت اصل و سود آن، استقراض شرکت های دولتی از سیستم بانکی روند صعودی طی کرده، به طوری که از ۱۶۴۰۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ به ۴۷۹۰۷

جدول ۳. شمایی از بوروکراسی در نظام بانکداری فعلی کشور

نوع عقد		مضاربه		مشارکت مدنی		فروش اقساطی		اجاره به شرط تملیک		سلف		جعاله	
شرح	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که	در صورتی که
	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه باشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد	متقاضی دارای پرونده عمومی در شعبه نباشد
	۱۴	۲۳	۱۷	۳۵	۱۲	۲۹	۱۱	۲۷	۱۳	۲۲	۷	۱۴	۱۴
	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد
	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد	عقد

مأخذ: بانک ملی ایران.

میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. این امر پدیده برون راندن^۱ بخش خصوصی را به دنبال خواهد داشت.

بر اساس اصول بانکداری بدون ربا، دریافت کنندگان تسهیلات از بانک باید پس از اتمام دوره مالی با محاسبه سود و زیان عملیات انجام گرفته، سود حاصل را بر اساس قرارداد منعقد شده میان خود و بانک تقسیم کنند. از آن جا که بخش قابل توجهی از شرکت های دولتی زیان ده بوده اند و سهم عمده از منابع دریافتی از بانک را نیز همین شرکت ها تصاحب کرده اند. بنابراین سؤالی که مطرح می شود این است که نظام بانکی به چه دلیلی در اموری که بازده مثبتی به دنبال ندارد وارد فعالیت می شود؟

سؤال دوم در میزان این نرخ ها است. نرخ کارمزدهای وضع شده کمتر از نرخ موجود در نظام بانکی برای پرداخت تسهیلات به دیگر بخش های اقتصادی کشور و حتی کمتر از نرخ سودهای پرداختی به سپرده گذاران در نظام بانکی است. در نتیجه نظام بانکی با دریافت کارمزد کمتر از شرایط واقعی حاکم بر اقتصاد کشور باعث متضرر شدن سپرده گذاران گردیده است. سپرده گذاری که به بانک به عنوان امین اعتماد کرده اند، با سپردن حق وکالت به بانک از این عملیات متضرر شده اند. پاسخ هر دو پرسش را در دولتی بودن نظام بانکی می توان یافت.

ج) الزام نظام بانکی به اعطای تسهیلات و وام های تکلیفی. آن بخش از تسهیلات بانکی که با عناوین مختلف و براساس الزامات مقرر در قوانین و مقررات و تحت شرایط معین و بدون رعایت تمام یا بخشی از ضوابط و اصول بانکداری متعارف بر عهده نظام بانکی قرار می گیرد، اصطلاحاً تسهیلات و وام های تکلیفی می نامند. تسهیلات تکلیفی از سال های گذشته وجود داشته است ولی به تدریج بر تعداد و میزان تسهیلات و وام های تکلیفی اضافه شده است. هم اکنون نیز هر ساله در بودجه دولت مبالغی با عنوان تسهیلات تکلیفی وجود دارد.

وام های مذکور یا به صورت قرض الحسنه است که هیچ گونه سودی به آن تعلق نمی گیرد و یا به شکل تسهیلات است که نرخ سود وضع شده بسیار کمتر از نرخ رایج اعمال گردیده است و یا این که دولت باز پرداخت بخشی از کارمزد و سود متعلقه و همچنین عدم نیاز به وثیقه را به سیستم بانکی تکلیف نموده است.

بنابراین، منابع مورد نیاز دولت، با نرخ بسیار نازلی از طریق نظام بانکی تنها به دلیل سلطه دولت به آن ها و عدم استقلال واقعی مقامات پولی تأمین شده است که موجبات عدم تخصیص بهینه منابع نظام بانکی را فراهم آورده است و منجر شده است که نظام بانکی نتواند به عنوان امین مردم منابع

سپرده‌گذاران را با پرداخت سود مناسب به آن‌ها تأمین کند.

۹. گرایش به عقودی که براساس سود قطعی عمل می‌کنند.

اعطای تسهیلات در بانکداری بدون بهره در ایران تنها از طریق عقود امکان‌پذیر است. قانون عملیات بانکی بدون ربا مقرر کرده است که سپرده‌های سرمایه‌گذاران در راه‌های نه‌گانه زیر به کار گرفته شود: مشارکت (مدنی و حقوقی)، مضاربه، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، جعاله، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک.

عملیات خرید دین هم که آیین‌نامه آن در جلسه ۱۳۶۴/۹/۲۴ شورای پول و اعتبار اصلاح شد، به این مجموعه اضافه شده است.

با دقت در نحوه طراحی و قانونمند ساختن این عقود می‌توان آن‌ها را به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱. عقودی که براساس سود غیر قطعی عمل می‌کنند.

۲. عقودی که براساس سود قطعی عمل می‌کنند.

عقود مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، معاملات، سلف، جعاله و سرمایه‌گذاری مستقیم جزء عقود دسته اول هستند، در حالی که عقود سه‌گانه: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین جزء عقود دسته دوم هستند. تفاوت این دو دسته در این است که در عقود دسته اول هیچ نرخ سود معین و از پیش تعیین شده‌ای از سوی گیرنده تسهیلات به نفع بانک تضمین نمی‌شود.

برعکس، عقود دسته دوم همگی مجراهایی برای انتقال مطمئن و عاری از ریسک منابع سپرده‌گذار و بانک به گیرنده تسهیلات و دریافت سود قطعی و از پیش تعیین شده از وی است. سودآوری بیشتر پروژه‌ای که از مجرای این عقود توسط بانک تأمین مالی می‌شود، دغدغه خاطر بانک و سپرده‌گذار را تشکیل نمی‌دهد، چه این که به هر حال باز پرداخت اصل پول و سود مورد نظر بانک توسط گیرنده تسهیلات تضمین شده است. به همین دلیل، بانکداری بدون ربا در رابطه با تسهیلاتی که در قالب این عقود به متقاضیان اعطا می‌کند، نیازی به پی‌گیری و نظارت بر کارگیرنده تسهیلات ندارد.

الف) عقود دسته اول

در مورد این عقود، ملاک اعطای تسهیلات از طرف بانک‌ها، نرخ سود مورد انتظار پروژه است. بدین معنی که نرخ سود (بازده) مورد انتظار پروژه‌ای که قرار است برای آن تسهیلات پرداخت شود، نباید از حد معینی کمتر باشد. به عنوان مثال، از میان عقود دسته اول، عقد مضاربه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرائی، مضاربه را چنین تعریف کرده است: «مضاربه قراردادی است که

به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه (نقدی) می‌گردد، باین قید که طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصل شریک باشند.^۱

همچنین، ماده ۵ دستورالعمل اجرائی مضاربه مقرر می‌دارد: «بانک‌ها موظفند قبل از انعقاد قرارداد مضاربه، عملیات موضوع مضاربه را در حد نیاز بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل سرمایه و سود مورد انتظار در طول مدت مضاربه قابل برگشت است.»^۲

«در مواردی که به هنگام تسویه حساب، سهم سود بانک کمتر از میزان سود مورد انتظار حاصل شود، عامل باید با ارائه دلایل اثبات‌کننده بانک را متقاعد سازد که نقصان سود تحت تاثیر و دخالت عوامل خارج از کنترل وی بوده است. در صورتی که به طریقی برای بانک ثابت گردد که عامل در زمان انعقاد مضاربه، تمامی بررسی‌های لازم را پیرامون وقوع معامله به انجام رسانده و نیز اطلاعاتی که به بانک ارائه نموده با واقعیت مطابقت داشته است، و همچنین مشخص گردد که عامل از زمان عقد قرارداد تا زمان تسویه با نهایت کوشش در جهت انجام موضوع مضاربه اقدام نموده است، در این صورت عامل از پرداخت هر نوع وجهی مازاد بر خسارت وارد بر اصل سرمایه معاف است.»^۳

همچنین، در متن یاد شده در مواردی که عامل بدون تقصیر، سرمایه‌ای را که از بانک گرفته مورد معامله و تجارت قرار نداده و لذا سودی حاصل نشده، تصریح شده است: «... در این صورت اخذ هر نوع وجه اضافه‌ای تحت هر عنوان مازاد بر سرمایه مسترد شده جایز نمی‌باشد.»^۴

همان‌طور که می‌بینیم، در مورد مضاربه هیچ متن حقوقی که در آن به دریافت سود تضمین شده از عامل اشاره شده باشد، وجود ندارد بلکه به صراحت اعلام شده است که اگر عملیات مضاربه بدون کسب سود پایان یافت و عدم تعدی و تفریط عامل محرز شد، بانک نمی‌تواند هیچ ادعایی علیه وی داشته باشد.

به نظر می‌رسد در مورد عقود دسته اول، اشکال‌ها و نارسایی‌های موجود عمدتاً به شیوه عملکرد بانک‌ها و مشتریان آن‌ها مربوط می‌شود.

ب) عقود دسته دوم

عقود دسته دوم شامل عملیات فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین است. بر خلاف

۱. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۱۹۲.

۲. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۲۶۱.

۳. علی‌اصغر هدایتی، حسن کلهر، و علی‌اصغر سفری، عملیات بانکی داخلی (تخصیص منابع) مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳.

۴. همان.

عقود دسته اول که کیفیت قانونمندی آن‌ها به گونه‌ای بود که بخشی از ریسک را از عامل به سپرده‌گذار منتقل می‌کرد، طراحی عقود دسته دوم به صورتی است که تمامی ریسک را متوجه گیرندگان تسهیلات می‌کند. ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرائی، عملیات فروش اقساطی را چنین تعریف کرده است: «منظور از فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین دریافت گردد.»^۱

نرخ سودی که در مورد فروش اقساطی مطرح می‌شود، نرخ سود قطعی است. قیمت فروش کالای خریداری شده توسط بانک بر مبنای همین نرخ سود قطعی مورد نظر بانک تعیین می‌شود. ماده ۳۹ آیین‌نامه اجرائی مقرر داشته است: «قیمت فروش اقساطی کالاهای موضوع ماده ۴۸ با توجه به قیمت تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.»^۲

کاملاً روشن است که تفاوت سود بانک که در فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین مطرح است با «سود مورد انتظار بانک» که در مشارکت مضاربه و... مطرح می‌شود چیست. «سود بانک» یعنی سود تضمین شده‌ای که گیرنده تسهیلات به هر حال باید آن را به بانک تأدیه کند. اما «سود مورد انتظار» چشم‌اندازی از سود احتمالی پروژه است که امکان عدم حصول آن منتفی نیست، همچنان که این امکان وجود دارد که سود واقعی عملیات بیش از سود مورد انتظار باشد. «... در عمل ممکن است سود حاصل از پیش‌بینی و سود مورد انتظار کمتر باشد و یا بیشتر.»^۳ برای این که تفاوت میان این دو نوع سود بهتر معلوم شود، کافی است به ترتیب اخذ وثیقه در مضاربه و فروش اقساطی دقت شود.

ماده ۱۲ دستورالعمل اجرائی مضاربه مقرر می‌دارد: «بانک‌ها موظفند برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه ضمن عقد صلح موضوع ماده ۸ این دستورالعمل، از عامل تعهد کافی اخذ نمایند.»^۴ در حالی که در متن سابق‌الذکر آمده است: «در معاملات فروش اقساطی، اخذ وثائق می‌باید حداقل به میزان جمع اقساط در زمان عقد قرارداد صورت گیرد.»^۵

بدیهی است جمع اقساط چیزی جز قیمت فروش کالا به مشتری نیست. قیمت فروش هم طبق ماده

۱. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۲۷۱.

۲. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۱۹۵.

۳. محمودرضا خاوری، حقوق بانکی، انتشارات مؤسسه بانکداری ایران: ۱۳۷۱، ص ۲۶۵.

۴. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۲۶۲.

۵. علی اصغر هدایتی، و دیگران، عملیات بانکی داخلی - ۲.

۴۹ آیین‌نامه اجرایی عبارت است از قیمت تمام شده و سود بانک^۱. به عبارت دیگر، در مضاربه فقط اصل سرمایه تضمین می‌شود و در فروش اقساطی هم اصل و هم سود تضمین می‌گردد. آنچه در ضمن فرایند فروش اقساطی واقع می‌شود، انتقال منابع بانک و سپرده‌گذار به گیرنده تسهیلات و دریافت سود معین و قطعی از وی است. ممکن است گفته شود که در جریان خرید و فروش کالای موضوع قرارداد فروش اقساطی، بانک و سپرده‌گذار علاوه بر حمل کالا در زمان و مکان، با مخاطرات عدیده‌ای نیز روبه‌رو هستند. به عنوان مثال، ممکن است کالایی که توسط بانک خریداری شود تا به صورت اقساط به متقاضی فروخته شود، معیوب از کار درآید، یا قبل از تسلیم به مشتری (متقاضی تسهیلات) دچار عیب و نقص شود، ممکن است کالای مزبور مشتری نداشته باشد و به دلیل استتکاف متقاضی از خرید آن، روی دست بانک بماند و... اما باید دانست که در آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی قانون بانکداری بدون ربا تمام این مخاطرات متوجه گیرنده تسهیلات شده است. براساس ماده ۳ دستورالعمل اجرائی متقاضی تسهیلات بیع اقساطی باید هنگام ارائه تقاضای خود کتباً متعهد شود که خریدار کالای مورد نظر از بانک خواهد بود.^۲

در ماده ۷ قرارداد «موافقت با خرید ماشین‌آلات به منظور فروش اقساطی» که توسط کارگزار بانک و متقاضی به امضاء می‌رسد و براساس ماده ۳۲ قرارداد مزبور «در حکم اسناد رسمی» است، آمده است: «متقاضی متعهد گردید بلافاصله پس از آماده شدن ماشین‌آلات خریداری و اعلام بانک کل ماشین‌آلات خریداری شده را به قیمتی که بانک تعیین می‌نماید و این قیمت متشکل خواهد بود از قیمت تمام کالا برای بانک به انضمام سود معادل...% در سال نسبت به قیمت نقدی با شرایط و ضوابطی که بانک تعیین می‌نماید از بانک خریداری کند. در اجرای مفاد این ماده متقاضی به بانک وکالت بلاعزل با سلب حق ضم امین و وکیل و غیره به مدت... سال می‌دهد که در صورت استتکاف متقاضی از انعقاد قرارداد خرید ماشین‌آلات، بانک راساً به وکالت از طرف متقاضی، قرارداد خرید ماشین‌آلات موضوع ماده دوم این قرارداد را طبق شرایط و قیمتی که خود تعیین می‌نماید به وکالت از طرف متقاضی منعقد نماید و سایر اموال متقاضی اعم از منقول و غیرمنقول را در ازاء کل مطالبات خود و برای هر مدتی که خود مقتضی و مصلحت بداند در رهن خود قرار دهد، در اجرای مفاد این وکالت بانک با داشتن حق اسقاط کافه اختیارات خصوصاً اختیار عیب و غبن حق امضاء کلیه اوراق و قراردادهای و دفاتر اسناد رسمی را اعم از ثبتی و غیر ثبتی دارا می‌باشد.»^۳

۱. مرتضی والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۱۹۵.

۲. همان، ص ۲۷۱.

۳. محمود رضا خاوری، حقوق بانکی، قرارداد فروش اقساطی، ص ۳۱۳.

همچنین، بر اساس ماده ۱۴ دستورالعمل اجرایی متقاضی باید مسئولیت انتخاب، تحویل، حمل و نصب اموال مذکور را به عهده بگیرد. وی مطابق مواد ۱۴ و ۱۵ قرارداد متعهد می‌شود: که «ماده ۱۴ - با توجه به اقدامات انجام شده از طرف متقاضی و نظارت‌هایی که ملزم است به عمل آورد بانک هیچ‌گونه تعهد مستقلی در مورد حمل و نصب و راه‌اندازی ماشین آلات و اموال موضوع ماده در این قرارداد نداشته و هیچ‌گونه مسئولیتی در مورد کمبود قطعات و لوازم کالای مورد نظر و نقص و عیب آن به عهده نخواهد گرفت و متقاضی تقبل نمود که اموال موضوع ماده دو این قرارداد را به همان صورتی که بانک خریداری نموده است از بانک خریداری نماید.»^۱

«ماده ۱۵ - مسئولیت تحویل، حمل، ترخیص (در صورتی که طبق وکالتنامه جداگانه‌ای به عهده متقاضی محول گردد و همچنین نظارت بر تهیه و ساخت و آزمایشات قبل از تحویل و بسته بندی کالاهای موضوع ماده دو این قرارداد به عهده متقاضی می‌باشد و هرگونه هزینه‌ای به استثنای آنچه که در تبصره ماده پنج این قرارداد قید شده است لازم باشد توسط خود متقاضی بدون حق مطالبه هرگونه وجهی از این بابت از بانک پرداخت خواهد شد.»^۲

عقود اجاره به شرط تملیک و خرید دین هم از نظر بنای‌شان بر سود معین و تضمین شده وضعیتی مشابه فروش اقساطی دارند. مثلاً در مورد اجاره به شرط تملیک ماده ۹ دستورالعمل اجرایی مقرر می‌دارد: «میزان مال الاجاره... با در نظر گرفتن قیمت تمام شده و سود بانک تعیین می‌گردد.»^۳

از نظر تمرکز ریسک برگیرنده تسهیلات نیز اجاره به شرط تملیک مشابه فروش اقساطی است. متقاضی تسهیلات اجاره به شرط تملیک، در مواد ۵ و ۶ قرارداد منعقد متعهد می‌شود:

«ماده ۵ - مستأجر مسئول هرگونه خسارتی است که به مورد اجاره وارد می‌شود اعم از این که نسبت به مورد اجاره تعدی و تفریط کرده یا نکرده باشد و بایستی کلیه خسارات وارده را بنا به تشخیص بانک و به میزانی که بانک تعیین می‌نماید به بانک پرداخت نماید. تشخیص بانک در مورد ورود خسارت و میزان خسارت وارده برای مستأجر قطعی و الزام‌آور می‌باشد و مستأجر حق هرگونه ایراد و اعتراضی را در این مورد از خود سلب نمود.»^۴

«ماده ۶ - انجام کلیه تعمیرات مربوط به مورد اجاره اعم از کلی و جزئی و همچنین هزینه‌های آن

۱. همان، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. مرتضی‌والی نژاد، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، ص ۲۹۹.

۴. محمود رضا خاوری، حقوق بانکی، قرارداد اجاره به شرط تملیک، ص ۳۲۵.

بدون حق مطالبه از بانک به عهده مستأجر می‌باشد.^۱

باید توجه داشت که هدف اشکالات وارده بر عقود دسته دوم، مبانی فقهی این عقود نیستند. آنچه باعث شده است تا عقود مزبور، از لحاظ کارکرد و تأثیرات خارجی با کارکرد و آثار خارجی نظام ربوی همانندی داشته باشد، نحوه طراحی حقوقی و قانونمند ساختن آن‌ها است. به عبارت روشن‌تر، تمهیدات به عمل آمده در متون حقوقی نظام نوین بانکداری (قانون، آیین‌نامه، دستورالعمل‌های اجرایی و متن قراردادها) این عقود را به مجراهایی برای انتقال مطمئن و عاری از ریسک وجوه سپرده‌گذاران به گیرندگان تسهیلات و دریافت سود قطعی و از پیش تعیین شده از آنان مبدل کرده است.

تعیین عقود که براساس سود قطعی عمل می‌کنند در عملیات بانکی بدون ربا این امکان را در اختیار شبکه بانکی کشور قرار داده است که بتواند منابع خود و سپرده‌گذاران را به طور مطمئن و با دریافت تضمین بازپرداخت اصل و سود معین و قطعی از گیرنده تسهیلات در اختیار وی قرار دهند. این اقدام، بدون بهره بودن بانکداری جمهوری اسلامی ایران را خدشه‌دار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

تجهیز منابع از طریق برقراری سود علی الحساب به انضمام تضمین عملی، عملکرد سود تضمین شده را دارد که عبارت دیگری از بهره است. وجود اسناد صوری و به کار بردن تسهیلات در غیر مورد قرارداد، عمل برخلاف مقتضای عقد است و مشروعیت فرایند را خدشه دار می‌کند. سازماندهی نامناسب، محاسبه سود بانکی مشابه محاسبه آن در بانکداری مبتنی بر بهره و گرایش به سمت عقود که براساس سود قطعی عمل می‌کنند، مسائل و چالش‌های بانکداری بدون بهره در تجربه جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

مآخذ

الف) فارسی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۲.
والی نژاد، مرتضی، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شورای پول و اعتبار، صورتجلسه ۷۵۶ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵.
روزنامه رسالت، مصاحبه با مدیرعامل بانک ملی ایران، شماره ۱۹۹۷.
بامداد، علی‌اصغر، بررسی و شناخت عوامل بازدارنده و نارسایی بانکداری اسلامی، مرکز آموزش بانکداری،
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
هدایتی، علی‌اصغر، «نگرشی بر ابعاد مسائل نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران»،
فصلنامه روند، زمستان ۱۳۷۲.
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال‌های ۷۸-۱۳۶۳.
میرجلیلی، سیدحسین و همکاران، بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران، معاونت امور اقتصادی
وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵.
میرجلیلی، سیدحسین، «روند تکوین و تحول بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه
روند، زمستان ۱۳۷۲.
هدایتی، علی‌اصغر، حسن کلهر، و علی‌اصغر سفری، عملیات بانکی داخلی - ۲ (تخصیص منابع)، موسسه
بانکداری ایران، ۱۳۷۳.
خاوری، محمودرضا، حقوق بانکی، انتشارات موسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۱.

ب) انگلیسی

Wai Nie, Mong and Ramin Cooper Maysami, in "Empirical Evidence on Islamic Banking: Iran, Pakistan and Sudan," *East Asian Economic Issues*, Vol.3, edited by. Jon, D. Kendall, park Donghyun and Randolph Tan, World Scientific publishing Co., 1997.
Anwar, Muhammad, Islamic Banking in Iran and Pakistan; A Comparative Study, International Islamic University, Malaysia, 1992.
Kamel, Saleh, Development of Islamic Banking Activity: problems and prospects, I.D.B, Jeddah, October 1997.
Hedayati, Asghar, Some Theoretical and Practical Aspects of Islamic Banking: A Dimension of Islamic Economics, International Conference on Islamic Banking, Sydney, November. 1993.
Ahmad, Ziauddin, "Islamic Banking;" State of the Art", *Journal of Islamic Economic Studies*, Vol. 2, No. 1, 1994.
Khan, Mohsins and Abbas Mirakhor, "Islamic Banking; Experienices in the Islamic Republic of Iran and pakistan", I.M.F Working Paper, 1989, WP/98/12.